

مدیریت بحران^۱

اهمیت اجتماعات محلی و تسهیل‌گری

چرا مشارکت جامعه‌ی بحران‌زده در حل مشکلات مهم است؟ چگونه مداخله‌ی مستقیم امدادگران در روزهای ابتدایی ورود به جامعه باید به مرور تبدیل به تسهیل‌گری اجتماعی شود؟ امدادگر و تسهیل‌گر چه تفاوت‌هایی به هم دارند؟ نقش تسهیل‌گر در توانمندسازی زنان چیست؟ تسهیل‌گر چه زمانی جامعه را ترک می‌کند؟ این نوشتار تلاش می‌کند به این موضوع بپردازد.

اخبار روزنامه‌های ۲۰ اسفند ۱۳۸۲:

«مردم شهر زلزله‌زده‌ی بم، واقع در استان کرمان، روز پنج‌شنبه برای نشان دادن نارضایتی خود از کاستی‌ها در رسیدگی به وضع شهر و شرایط زلزله‌زدگان دست به تجمعی اعتراض‌آمیز زدند. آن‌ها در ابتدا با شرکت در دسته‌های سینه‌زنی، خواست‌های خود را مطرح کرده و خواستار رسیدگی بیشتر مسوولان به مشکلاتشان شدند. اما حدود ساعت ۷ بعدازظهر این تجمع به ناآرامی و تشنج کشیده شد. در همین حال، مردم بم به نحوه‌ی کمک‌رسانی و همچنین چگونگی کمک‌های خارجی اعتراض داشتند. علیرغم توضیحات استاندار کرمان، عده‌ای سوار بر موتورسیکلت دست به اغتشاش زدند و به تعدادی از کانکس‌ها، چادرها و محل‌های خدمات‌رسانی خسارات جدی وارد شد. گزارش‌ها از بم حاکی است که بسیاری از زلزله‌زدگان از نحوه‌ی کمک‌رسانی شکایت دارند.»

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته، نارضایتی مردم شهر بم دو ماه پس از زلزله، بیشتر حول مسائل زیر بود:

- مشکلات بهداشتی و تغذیه‌ی مربوطه به زنان و کودکان

- کافی نبودن آب سالم و بهداشتی

^۱ برگرفته از کتاب «زنان در شرایط بحرانی؛ هنگام وقوع زلزله و سیل»، سارا لقمانی، نشر شیرازه.

زلزله‌ی بم به ما آموخت تنها با مشارکت و حضور سازمان‌یافته‌ی افراد محلی، زندگی در جامعه‌ی بحران‌زده جاری خواهد شد.

- کندی سیستم جمع‌آوری زباله و نبود سیستم تفکیک زباله‌ها
- گسترش آلودگی‌های محیطی با جاری شدن فاضلاب و
- بیکاری گسترده

- نبود امکان گذران اوقات فراغت کودکان و جوانان

زند رضوی در «جامعه‌شناسی و مدیریت بحران» علت اصلی این نارضایتی‌ها را ناشی از به مشارکت نگرفتن شهروندان در بازسازی عنوان کرده است. استفاده بیش از حد از نیروهای غیرمحلی در انواع فعالیت‌ها، حتی پس از پایان دوره‌ی اسکان اضطراری اولیه و مشارکت نگرفتن از شهروندان آسیب‌دیده در ساخت دوباره‌ی محل زندگی خود، شهروندان بم را به افرادی بیگانه تبدیل کرده بود که نظاره‌گر آمد و رفت افراد غریبه بودند. غریبه‌هایی که کنترل محل سکونتشان را به عهده گرفته‌اند، برایشان برنامه‌ریزی می‌کنند، تصمیم می‌گیرند و اجرا می‌کنند. شهروندان بم بعد از زلزله، غریبه‌های شهر بودند.

رویکرد بین‌المللی به مدیریت بحران چیست؟

وقوع زلزله‌های متعدد در نقاط مختلف دنیا و خسارات فراوان ناشی از آن، سازمان ملل متحد را بر آن داشت تا دهه‌ی ۱۹۹۰ را دهه‌ی کاهش بلایای طبیعی نام‌گذاری کند. در آن زمان یک سؤال اساسی مطرح شده بود: چرا و چگونه حوادث طبیعی تبدیل به بلایای اجتماعی می‌شود؟

پاسخ به این سؤال، کلیدی‌ترین مسأله در تدوین خط مشی برنامه‌ریزی‌های سازمان ملل در مواجهه با حوادث طبیعی و خسارات ناشی از آن شد.

از پیامدهای ناگوار ناشی از حوادث طبیعی، زمانی می‌توان جلوگیری کرد که بین اجتماعات محلی، دستگاه‌های اداری محلی، دولت و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی همکاری وجود داشته باشد.

در صورت کمک به جوامع محلی برای افزایش انعطاف، ایجاد اعتماد به نفس و استفاده از توانایی‌ها و شناخت آن‌ها نسبت به محیط اطرافشان می‌توان از پیامدهای ناخوشایند حوادث طبیعی تا حد زیادی جلوگیری به عمل آورد.

این خط مشی نشان از رویکرد اجتماع‌محور و مشارکتی در سازمان ملل داشت که نتیجه‌ی آن منجر به تدوین برنامه‌ای با تأکید بر «اهمیت اجتماعات محلی در مدیریت بحران» (CBDM)¹ شد.

این برنامه دارای شش محور اصلی است که بر مبنای ضرورت مشارکت اجتماعات محلی در مدیریت بحران تدوین شده است:

- ۱- توجه به وضعیت فرهنگی اجتماع محلی مورد نظر.
 - ۲- تأکید بر جایگاه و نقش اجتماعات محلی در مدیریت بحران برای تمام دستگاه‌ها و نهادهای دولتی در فرآیند امداد و نجات و بازسازی.
 - ۳- تشویق و ترغیب شهروندان آسیب‌دیده به حضور و فعالیت داوطلبانه در گروه‌های کاری، مانند امداد و نجات، اسکان موقت، بهداشت محیط، حمایت از کودکان و ...
 - ۴- انتخاب اهداف قابل دسترسی و عملی برای شروع کارگروه‌های محلی در آغاز فعالیت.
 - ۵- توجه به امر آموزش شهروندان در قالب اجتماعات محلی
 - ۶- توجه به فراهم کردن اعتبارات و بودجه‌های لازم برای پایداری فعالیت‌های گفته شده.
- همان‌طور که می‌بینید سازمان ملل مراحل جلب مشارکت مردم برای تشکیل و فعالیت اجتماعات محلی با هدف مدیریت بحران را به ترتیب ذکر کرده است. در خصوص نحوه‌ی ورود به جامعه‌ی محلی و تشکیل گروه‌های محلی در کتاب‌های مختلف به تفصیل بحث شده است. آن چه در این بخش مدنظر قرار گرفته است فرآیند مشارکت در جامعه‌ای است که به دلیل وقوع یک حادثه طبیعی دچار بحران شده است. در روزهای اول بعد از وقوع حادثه، شرایط بحرانی و غیرطبیعی، افراد و گروه‌ها را بر آن می‌دارد که به صورت مداخله‌ی مستقیم به امداد رسانی بپردازند و به مرور با دور شدن از وضعیت بحرانی، قدم به قدم از امدادگری به سمت تسهیل‌گری حرکت کنند. با این توضیح که نوع و شدت حادثه‌ی رخ داده، میزان خسارت وارده و میزان تجربه‌ی جامعه‌ی محلی در انجام فعالیت‌های مشارکتی در گذشته، تأثیر مستقیم در چگونگی انجام این فرایند دارد.

¹ Community Based Disaster Management

طیف مشارکت و نحوه‌ی تبدیل فرآیند امدادگری به فرآیند تسهیل‌گری

طی دهه‌های گذشته این واقعیت به تدریج پذیرفته شده است که اگر قرار باشد فایده برنامه‌های توسعه اجتماعی و انسانی به مردم برسد، خود این مردم باید نقشی در فرآیند داشته باشند و به این ترتیب بوده که مفهوم مشارکت در ادبیات توسعه اجتماعی / انسانی جایگاه اساسی تری یافته است. البته نوع، میزان و عمق مشارکت یا نقش‌پذیری مردم تحولاتی را از سر گذرانده است، چرا که هر مقدار که بیرونی‌ها جرأت کرده‌اند مسائل را واگذار کنند، مردم نیز ظرفیت و توان بیشتری برای ایفای نقش از خود نشان داده‌اند، و می‌توان گفت باورهای سنتی کارشناسان بیرونی را درهم ریخته‌اند. به دنبال آن، تعریف مشارکت و سطوح مشارکت نیز یک سیر تکاملی را طی کرده است که مرور زمان و تنوع شرایط و نگرش‌ها بر گستردگی طیف این تعاریف افزوده است^۱ (موسوی نژاد، موسوی، رحمانی، ارتباط شخصی).

طیف مفهوم مشارکت (چمبرز ۱۹۹۷)	
کار برای مردم	مردم محلی اطلاعات می‌دهند و در حد خیلی محدودی مورد مشورت قرار می‌گیرند. تصمیم‌گیری توسط بیرونی‌ها صورت می‌گیرد.
کار با مردم	مردم محلی کاریدی و منابع خود را در اختیار برنامه‌های بیرونی‌ها می‌گذارند. امکان دارد مورد مشورت قرار گیرند و اطلاعاتی نیز به بیرونی‌ها بدهند. کنترل در دست بیرونی‌هاست ولی عمل در سطح محلی است.
کار توسط مردم	تحلیل و عمل در محل صورت می‌گیرد. فرآیند حاوی گفت‌وگوی همه‌سویه و برنامه‌ریزی مشترک است و بیرونی‌ها بیشتر نقش تسهیلگری فرآیند را دارند.

مهم‌تر از اینکه ما در کجای طیف مفهوم مشارکت قرار داریم، این است که به کدام سمت آن حرکت می‌کنیم. سؤالی که همواره باید از خودمان پرسیم این است که آیا نقش و محوریت مردم در حال پررنگ‌تر و نقش بیرونی‌ها در حال کم‌رنگ‌تر شدن هست یا خیر. جولز پرتی در سال ۱۹۹۵ می‌گوید اگر ما واقعاً در حال حرکت باشیم،

^۱ در این مطلب بخش‌های مربوط به مبحث مشارکت، از مطالبی اقتباس شده است که سید بابک موسوی نژاد، شهریار رحمانی و نسترن موسوی برای جزوات کارگاه‌های آموزشی رهیافت‌های مشارکتی سال ۱۳۸۹ تهیه کرده‌اند. به گفته‌ی موسوی نژاد، این مطالب در طول ۱۵ سال و در پی فعالیت‌های مختلف با طیف وسیعی از افراد تولید شده است و هنوز در هیچ جایی و به هیچ شکلی به چاپ نرسیده است. این یادداشت‌ها و مستندات نزد افراد نام برده در مؤسسه مطالعات بازنگر (www.baznagar.pro) قرار دارند.

باید به جایی برسیم که دیگر چند مورد اول این طیف را مشارکت ندانیم (موسوی نژاد، موسوی، رحمانی، ارتباط شخصی).

نمودار طیف مشارکت

همان طور که تصویر نشان می‌دهد در ابتدای ورود به جامعه‌ی بحران‌زده افراد بیرونی در نقش امدادگر هستند و کار برای مردم انجام می‌شود. در این مرحله ضرورتی به جلب مشارکت نیست بلکه تنها، حیات و ادامه‌ی زندگی افراد در اولویت قرار دارد. اما به تدریج از نقش امدادگر کاسته می‌شود و با بهتر شدن اوضاع زندگی، کار با مردم انجام می‌شود. در این مرحله افراد بیرونی در نقش تسهیل‌گر هستند.

تعریف و ویژگی‌های تسهیلگری

تسهیل‌گر با گروه کار می‌کند از اشتباه نمی‌ترسد

اگر گروه‌هایی در جامعه وجود داشته باشد به افزایش توان آن‌ها کمک می‌کند

سطح مشارکت را در واحد زمان افزایش می‌دهد

دغدغه‌ی اصلی او افزایش مشارکت مردم برای رسیدن به هدف است نه تنها رسیدن به هدف

متکلم وحده نمی‌شود

همواره به خود رجوع می‌کند

معنی کلمه تسهیل‌گر آسان‌کننده است

نسبت به احساسات و عواطف افراد حساس است

صادق و راستگو است

نقش مردم محلی را پررنگ و نقش بیرونی‌ها را کم رنگ می‌کند

برایش مهم است که گروه یا مردم کار را واقعاً متعلق به خودشان بدانند

با دقت به سخنان افراد گوش می‌دهد

هر کسی نمی‌تواند تسهیل‌گر شود

آماده‌ی مواجهه با شرایط رفتارها و اتفاقات پیش‌بینی نشده است

برای افزایش مشارکت مردم تلاش می‌کند

در حالی که مهمترین نقش را در ایجاد یک تغییر دارد از هرکس

پرسید چه کسی این تغییر را ایجاد کرده است بگوید: من!

عجله ندارد به ایجاد شفافیت در گروه کمک می‌کند

مردم را همان طور که هستند، می‌پذیرد

فضا را برای بحث و گفت و گوی افراد باهم آماده می‌کند

از اینکه گروه و جامعه‌ی محلی در طول زمان نسبت به او بی‌نیاز می‌شوند، لذت می‌برد

از ابزارهای موجود و ساده بهترین استفاده را می‌کند

دوست ندارد جامعه همواره به حضور او نیاز داشته باشند

تلاش می‌کند ضعیف‌ترها نظرشان را بگویند

کاری می‌کند که مردم باور کنند می‌توانند نسبت به تغییر وضعیت خود قدم بردارند

از جایی که افراد حضور دارند شروع می‌کند نه جایی که انتظار می‌رود یا باید آن جا باشند

از نظر اجتماعی و فرهنگی مناسب عمل می‌کند

اصرار ندارد نتیجه‌ی کار شیک و قشنگ از آب دربیاید

اگر گروهی وجود نداشته باشد آن را تشکیل می‌دهد

تلاش می‌کند فضای فکری نسبتاً مشترک در گروه ایجاد کند

مانع بروز برخورد می‌شود

به طور منظم دیگران را نسبت به آن چه در حال رخ دادن است آگاه می‌کند

کارها را به افراد واگذار می‌کند. باور دارد «آنها از عهده‌اش برمی‌آیند»

می‌داند قرار نیست همه‌چیز مطابق میل او پیش برود

کاری می‌کند که مردم باور کنند حرف و عملشان مهم است

ابتکار عمل و فرآیند تصمیم‌گیری را از بیرونی‌ها به مردم محلی منتقل می‌کند

جوش و خروش تشکیل گروه‌های محلی را ایجاد می‌کند

ضرورت بسیج جامعه‌ی محلی

بسیج جامعه‌ی محلی به تلاش‌هایی اشاره می‌کند که در داخل و خارج از جامعه محلی صورت می‌گیرد تا گروه‌های مختلف آن جامعه، خانواده‌ها، همسایگان، خویشاوندان و ... بتوانند در تمام مراحل تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرا شرکت کرده و نقش داشته باشند. تجربه نشان می‌دهد هر چقدر مشارکت جامعه محلی بالاتر باشد امیدواری و قدرت سازگاری آن‌ها بیشتر است در نتیجه اقدامات مؤثرتری برای خروج از بحران و بازگشت به شرایط طبیعی انجام می‌دهد، اقداماتی که از پایداری بالاتری برخوردار است. در این راستا تسهیل‌گر تلاش می‌کند:

- درک افراد و گروه‌ها را از این نکته که آن‌ها یک نگرانی و مشکل مشترک دارند را بالا ببرد و جامعه‌ی محلی را حساس کند که اگر با هم همکاری داشته باشند، کارایی بیشتری خواهند داشت. بنابراین به حمایت از یکدیگر نیاز دارند.

- در نتیجه آن احساس مسوولیت‌پذیری و تعلق در جامعه محلی بالا می‌رود و اجتماع محلی به این باور می‌رسد که برایشان اتفاقی افتاده است و باید در برابر آن کاری انجام دهند.

- در بسیج جامعه‌ی محلی منابع داخلی، مهارت‌های فردی و گروهی و توانایی‌ها شناسایی می‌شوند و مشخص می‌شود که چه کسی یا گروهی چه کاری را می‌تواند انجام دهد و چه منابعی در اختیار دارد.

- مسائل و مشکلات اولویت‌بندی می‌شوند و جامعه‌ی محلی برای اقدامات خود برنامه‌ریزی می‌کند.

- رشد اعضای جامعه‌ی محلی و افزایش ظرفیت‌های آن‌ها باید مورد توجه تسهیل‌گر باشد.

- تسهیل‌گر به گروه‌ها و جمع‌هایی که ممکن است از قبل از وقوع بحران در جامعه فعال بوده‌اند، توجه ویژه خواهد داشت و برای احیای مجدد آن‌ها تلاش خواهد کرد. زیرا این گروه‌ها فرصت بسیار مناسبی برای بسیج جامعه خواهند بود.

- در سال ۱۹۸۵، پس از زمین لرزه‌ای مخرب در مکزیکوسیتی، که در آن سازمان‌های اجتماعی قدرتمند از قبل وجود داشتند، مردم جامعه‌ی محلی، تلاش‌های امدادی اضطراری را سازمان‌دهی کردند. مردم محلی قسمت بزرگ پاک‌سازی، توزیع غذا و دیگر احتیاجات را انجام دادند، پناهگاه‌های موقت ایجاد

کردند و مساکن جدید طراحی کردند. اقدام اضطراری محلی به یک جنبش اجتماعی تبدیل شد و برای یک دوره ۵ ساله به مردم کمک کرد. در مطالعاتی که ۳ و ۵ سال پس از زمین لرزه انجام شدند، هیچ گزارشی از افزایش شیوع مشکلات مربوط به بهداشت روان وجود نداشت (ISAC، ۲۰۰۷).

مراحل جلب مشارکت مردم

برای جلب مشارکت مردم در توسعه و بازسازی جامعه مجموعه‌ای از فعالیت‌ها باید صورت گیرد که مرحله‌ی اول آن اقدامات اورژانسی و کمک‌رسانی‌های اولیه است. در این کتاب تلاش شد نحوه‌ی این اقدامات و کمک‌رسانی‌ها با رویکردی جنسیتی مرور شود. از حالا به بعد فرض بر آن است که جامعه از شرایط بحرانی روزها یا

اگر افراد محلی در برنامه‌های مربوطه به جامعه‌شان مشارکت نکنند، احساس بی‌ارزشی، ناتوانی، غریبگی، منزوی بودن و ... می‌کنند و نتیجه آن ناپایدار بودن و نامؤثر بودن اقدامات صورت گرفته در طولانی مدت خواهند بود.

هفته‌های اولیه خارج شده است. آرامش نسبی در بین افراد و خانواده‌ها بازگشته و زمان بازسازی فرا رسیده است. فرایند مشارکت مردم باید روز به روز قوی‌تر و پررنگ‌تر شود. تسهیل‌گر به دنبال جلب مشارکت مردم است تا مشکلات جامعه توسط خود افراد حل شود. قرار بر این است تا حضور نیروهای امدادگر با گذر زمان کمتر شود و کارها آرام آرام به خود مردم سپرده شود. هنر تسهیل‌گر، منتقل کردن نقش‌ها و وظایف به مردم است.

تسهیل‌گری یک فرایند است که زمان شروع آن را نمی‌توان دقیق مشخص کرد. در حقیقت به محض آنکه شرایط بحرانی از بین رفت، خطر مرگ از جامعه دور شد و افراد دارای سرپناه‌های ایمن شدند، فرایند تسهیل‌گری آغاز می‌شود. این مسأله بسته به شدت و میزان حادثه‌ی رخ داده و ویژگی‌های جامعه‌ی مورد نظر متغیر است. با رعایت موارد گفته شده تسهیل‌گر مراحل زیر را برای جلب مشارکت مردم محلی لحاظ خواهد کرد. با این توضیح که تجربه نشان می‌دهد از زمان ورود به جامعه‌ی بحران‌زده تا خروج تدریجی از آن و سپردن امور به اجتماع محلی به طور معمول ۶ ماه زمان لازم است.

۱- افراد و گروه‌های سرشناس، معتمد و با نفوذ را شناسایی کنید

شناسایی شورایاری، تعاونی‌های محلی، گروه‌ها و هیأت‌های مذهبی، افراد تحصیل‌کرده، معلمان، واعظان مذهبی زن و مرد، مسوولین خانه‌های بهداشت، نهضت سوادآموزی ... و افراد مورد اعتماد و صاحب نفوذ در

بین مردم اولین گام ورود به جامعه است. تسهیل گر برای ورود به جامعه باید تأیید سرشناسان آن جامعه را داشته باشد. بنابراین جلسه‌ای ترتیب دهید و خود را به آن‌ها معرفی کنید، هدف از ورود به جامعه و برنامه‌هایی که در نظر دارید را با آن‌ها در میان بگذارید، از آن‌ها اطلاعات بگیرید و با استفاده از شناخت و تجربیات آن‌ها آگاهی خود را از وضعیت جامعه‌ی مورد نظر به لحاظ فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بالا ببرید. همراهی آن‌ها را کسب کنید و از آن‌ها بخواهید در مراحل مختلف فعالیت در کنار شما باشند. شما به عنوان یک فرد بیرونی در قدم‌های اولیه از اعتبار چندانی برخوردار نیستید، بنابراین از افراد معتمد جامعه بخواهید شما را به دیگران معرفی کنند و تأیید آن‌ها را بگیرید.

۲- یک جلسه عمومی برگزار کنید

مردم را از حضور خود مطلع کنید. جلسه را در زمانی برگزار کنید که مطمئن باشید اکثریت افراد می‌توانند در آن شرکت کنند. دلیل حضور خود را شرح دهید و از مردم بخواهید کسانی که برای همراهی و همکاری آماده هستند داوطلب شوند. تأکید کنید هر زمان که بخواهند می‌توانند داوطلب شده و به گروه ملحق شوند. دقت کنید تنوعی از ترکیب سنی و جنسی در داوطلبان ایجاد شود. زنان به طور معمول در حضور مردان کمتر تمایل به داوطلب شدن دارند و جوانان در حضور پیران یا افرادی که تازه وارد آن اجتماع شده‌اند در مقابل قدیمی‌ترها. همه‌ی افراد را ترغیب و تشویق کنید.

۳- نیازسنجی کنید

از گروهی که تشکیل شده است بخواهید بهترین زمان را برای تشکیل جلسات تعیین کنند. مکان مناسبی برای برگزاری جلسات مشخص کنید و با استفاده از تعیین تکنیک‌های مشارکتی مشکلات و نیازهای اصلی جامعه را استخراج کنید. به گروه کمک کنید تا نیازها را اولویت‌بندی کنند. از آن‌ها بخواهید با توجه به امکانات و توانایی‌های فعلی که گروه دارد و با لحاظ کردن شرایط محیطی یکی از مشکلات را انتخاب کنند تا به عنوان اولین قدم به رفع آن مبادرت ورزند.

۴- اعتمادسازی کنید

سعی کنید از بین مشکلات و نیازهای مطرح شده موردی را انتخاب کنید که در زمان کوتاه و با امکانات کمتر قابل رفع باشد. این عمل باعث می‌شود گروه احساس هویت کند و به ادامه کار امیدوار باشد. دقت کنید که وعده‌های خیالی به گروه ندهید. نظرات و آرای همه اعضا را جویا شوید. به آن‌ها این نوید را بدهید که در طی

جلسات آینده در مورد شیوه‌های حل مشکل، نحوه‌ی برقراری ارتباط با مدیران و مسوولان مربوط، مهارت‌های لازم برای انجام کار گروهی و ... را با کمک هم خواهید آموخت.

۵- تسهیل‌گر محلی انتخاب کنید

تلاش کنید در طی جلساتی که برگزار می‌کنید فردی را که علاقه‌مندی و توانایی‌های بیشتری دارد را به عنوان همراه اصلی خود انتخاب کنید و به او آموزش دهید تا در مراحل مختلف کار همراه شما باشد. حتماً فرد مورد نظر باید مورد تأیید و علاقه اعضا باشد. تکنیک‌های متنوع و مختلفی برای آموزش و جلب مشارکت‌های مردم وجود دارد مانند:

- | | | |
|------------------------|------------------------------|---------|
| - بارش افکار | - سهم زنان در اقتصاد خانواده | - |
| - ترسیم نقشه | - نمودار جریان | - |
| - تقسیم کار در خانواده | - رتبه‌بندی معیشتی | - |
| - درخت مشکلات | - مسیر سفر | |
| - سیر تاریخی | - روش الماس | |
| - ماتریس‌ها | - تقویم‌ها | |
| - نمودار پای | - دایره‌ها | |

۶- جلب حمایت کنید

بسیاری از مشکلات و نیازهای جامعه‌ی محلی نیاز به حمایت‌های مادی و غیرمادی مدیران و نهادهای دولت دارد. از یک مرحله‌ای به بعد لازم است که آن‌ها وارد عمل شوند. گروه را آن قدر توانمند کنید تا امکان مذاکره و لابی با مسوولان و مدیران را پیدا کنند. در این مرحله گاهی لازم می‌شود خودتان مستقیم نیز وارد عمل شوید.

- بعد از رخداد زلزله ۳۰ سپتامبر ۱۹۹۳ در لاتور در جنوب غربی هندوستان شبکه‌ای متشکل از ۳۵۰۰ زن از گروه‌های خودگردان فعالانه به نیازهایی از قبیل رسیدگی به امرار معاش، تأمین آب و نیازهای بهداشتی، حفظ سلامت و آموزش در کنار موارد دیگر توجه خاص مبذول داشتند.
- در ترکیه نیز پس از زلزله ۱۹۹۹ ایزمیت «مراکز زنان و کودکان» در قسمت‌های شمال غربی کشور راه اندازی شدند که به عنوان مرکزی برای ارائه خدمات به جامعه و فعالیت‌های دیگر به شمار می‌رفتند (ISAC, 2007).

مشکلات و موانع مشارکت

با وجود انگیزه‌هایی که برای مشارکت کردن و مشارکتی کار کردن وجود دارد، تجارب ما از کار جمعی و گروهی در زمینه‌های گوناگون این را نیز نشان داده است که همواره با مسائلی مواجه بوده‌ایم که فرایند جمعی را مختل کرده است. برخی از این عوامل محیطی هستند و از بیرون به مجموعه تحمیل می‌شوند، ولی برخی دیگر عوامل درونی هستند و ریشه در رفتارها و روابط میان افراد درون مجموعه دارند. برخی از افراد در هنگام انجام کار ممکن است اخلاص‌گری کنند. اخلاص‌گر عمدی یا سهوی روند کار را به هم می‌زنند و بر فضای گروه تأثیر می‌گذارد. اخلاص‌گری ممکن است از سوی یکی از افراد گروه ایجاد شود یا از سوی فرد یا گروهی بیرونی. حتی ممکن است تسهیل‌گر باعث اخلاص شود. دقت کنید که نباید اخلاص‌گر به طور کامل از صحنه فعالیت حذف شود. پیش از آنکه به دنبال شناسایی و معرفی اخلاص‌گران بزرگ باشیم، نسبت به رفتارهای اخلاص‌گرانه که ممکن است از هر کس مخصوصاً خودمان سر بزند حساس باشیم. اخلاص‌گری روند مشارکت را کند و یا حتی متوقف می‌کند و احساس ناامیدی به افراد منتقل می‌شود. گروه باید مرتب عملکرد و رفتارهای خود را ارزیابی کند تا افراد نسبت به رفتارهای خود و ریز اخلاص‌گری‌هایی که ممکن است از آن‌ها سر بزند آگاه شود. بالاخره مجموعه باید نسبت به رفع این موانع تدابیری بیاندیشد که متناسب شرایط و ویژگی‌های گروه و محیط‌شان باشد (موسوی نژاد، موسوی، رحمانی، ارتباط شخصی).

اکلی و همکاران در کتاب پروژه‌هایی با مردم سه دسته مانع را برای مشارکت جمعی معرفی می‌کنند:

- ۱- موانع ساختاری: برای مثال تضاد میان تمرکززدایی نهفته در فرایندهای مشارکتی و تمرکزگرایی سیاست‌گذاری و نظام و برنامه‌ریزی کشور؛ گرایش نظام قانونی به سمت حفظ شرایط موجود و نداشتن انعطاف‌پذیری لازم برای

مشارکت مردم و ایجاد تغییر، و ناآگاهی مردم از حقوق و خدماتی که به لحاظ قانونی می‌بایست از آن‌ها برخوردار شوند.

۲- موانع اداری و مدیریتی: احاطه و کنترل نظام‌های متمرکز اداری بر تصمیم‌گیری، تخصیص منابع اطلاعات و دانش مورد نیاز مردم محلی، برنامه‌ریزی متمرکز طرح‌ها و پروژه‌های توسعه، رویه‌های پیچیده و زمان‌بر، تمایل نداشتن نیروهای اداری به مشارکت مردم محلی و انعطاف ناپذیری برای فرآیندهای متغیر و پویای مشارکتی.

۳- موانع اجتماعی: مانند ذهنیت وابستگی که به لحاظ تاریخی درونی شده است و در پی آن مردم ضعیف‌تر به سپردن تصمیم‌گیری‌ها به افراد قدرتمندتر جوامع محلی و بیرونی‌ها عادت کرده‌اند. نداشتن مهارت‌های رهبری و سازماندهی در نزد مردم و نبود تجربه در مدیریت برنامه‌ها و سازمان‌های محلی؛ اعتماد به نفس نداشتن برای در دست گرفتن ابتکار عمل و تصمیم‌گیری، مشغول بودن اقشار مردم به مسائل معیشتی و کم بودن مجال برای مشارکت؛ غفلت برنامه‌ریزی‌ها از تفاوت‌های اجتماعی - اقتصادی درون جوامع محلی و ناسازگاری اقدامات با ساختارهای فرهنگی و ارزشی جوامع محلی.

آنچه اهمیت دارد آن است که بدانیم مشارکت آن هم از جانب مردمی که در گذشته کمتر تجربه اقدام مشارکتی داشته‌اند بدون رنج و مشقت نخواهد بود. همواره افراد و گروهایی وجود دارند که اقدامات مشارکتی یک جامعه را تهدیدی برای خود می‌دانند و گروه با حضور آن‌ها باید به حیات خود ادامه دهد. مشارکت در خلاء صورت نمی‌گیرد. یکی دیگر از مشکلات مشارکت در اثر بی‌توجهی به زیرگروه‌ها و نیازهای متفاوت آن‌ها در جامعه ایجاد می‌شود. به این معنا که تسهیل در مشارکت واقعی جامعه محلی، نیازمند درک صحیح از ساختار قدرت محلی و نحوه کار کردن با زیرگروه‌های مختلف (که احتمالاً منافع متضاد از هم دارند) و دوری از برتری دادن به یک گروه خاص دارد.

دقت شود گاهی به دلیل تضادهای بسیار زیاد جامعه و ترکیب نامتناسب قدرت میان گروه‌های مختلف میزان مشارکت‌پذیری به حداقل سطح خود می‌رسد و یک شرایط اضطراری را ایجاد می‌کند. هرچند تجربه‌ها نشان می‌دهد همواره تعداد قابل توجهی از اعضای جامعه محلی تمایل به مسوولیت‌پذیری و مشارکت دارند.

اگرچه گاهی اوقات سازمان‌ها و گروه‌های امدادی می‌گویند در شرایط بحرانی برای صحبت با مردم وقت کافی ندارند، ولی آن‌ها مسوولیت دارند با مردم صحبت کنند و دانش و آگاهی خود را نسبت به شرایط عمومی جامعه بالا ببرند و برهمان اساس عمل کنند. معمولاً زمان کافی برای انجام این فرآیند وجود دارد.

گاهی فرآیند مشارکت‌پذیری و بسیج جامعه محلی به سمتی پیش می‌رود که اقدامات و برنامه‌ریزی‌ها را به جامعه دیکته می‌کنند به خصوص زمانی که گروه‌ها و سازمان‌های متعدد به صورت ناهماهنگ در جامعه بحران‌زده حضور دارند و بدون توجه به حضور یکدیگر فعالیت می‌کنند. به عنوان مثال کمیته دائمی بین‌سازمانی در راهنمای سلامت روان و حمایت‌های روانی و اجتماعی در بحران می‌گوید: یک سال پس از سونامی سال ۲۰۰۴ در جنوب شرق آسیا، تحقیقی به صورت خانه به خانه از جامعه‌ای در سریلانکای شمالی که دارای ۵۰ خانوار بود به عمل آمد و مشخص شد که ۲۷ سازمان غیردولتی مختلف در حال کمک‌رسانی هستند. شخصی در مصاحبه‌ای بیان کرده بود که: «ما هیچ وقت رهبر نداشتیم. بیشتر افراد با هم خویشاوند هستند. وقتی کسی با مشکلی مواجه می‌شد همسایگان به او کمک می‌کردند. ولی اکنون بعضی از افراد برای مذاکره درباره‌ی کمک‌ها مانند رهبران عمل می‌کنند و دیگر خویشاوندان به یکدیگر کمک نمی‌کنند». همان طور که این مثال نشان می‌دهد اگر سازمان‌ها مشارکت وسیع جامعه‌ی محلی را با برنامه‌های خود در آمیزند اما درکی از آن جامعه نداشته باشند، زیان‌آور خواهد بود. تسهیل شرایطی که در آن خود جامعه‌ی محلی اقدامات را سازمان‌دهی می‌کند مهم و مؤثر است نه آنکه آن جامعه را مجبور به حمایت از یک برنامه‌ی از قبل تعیین شده کرد.

توریسم توسعه

یکی از وظایفی که گروه و تسهیل‌گر محلی می‌توانند به عهده بگیرند آماده کردن شرایط محیطی و ذهنی جامعه برای جلوگیری از به وجود آمدن توریسم توسعه است. بازدید مسوولین و مدیران از جامعه بحران‌زده در بیشتر موارد تأثیر به‌سزایی بر تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های آنان خواهد داشت. مسوولین بر اساس برداشت‌های حاصل از بازدیدهایشان تصمیم‌گیری می‌کنند و برنامه‌ریزی‌ها تدوین می‌شود. اگر این بازدیدها دچار سوگیری شود، واقعیت از چشم آن‌ها پنهان می‌ماند و مسوولین تنها در نقش یک توریست قرار می‌گیرند (موسوی نژاد، موسوی، رحمانی، ارتباط شخصی). گروه محلی تشکیل شده می‌تواند برنامه‌ها را طوری تدارک ببیند که بازدیدها دارای سوگیری نباشد. برای مثال:

- سوگیری‌های مربوط به مکان: کدام قسمت‌های محله‌ها بازدید شود؟ خیابان‌های اصلی یا کوچه‌های فرعی؟ مکان‌های قابل دسترس با غیرقابل دسترس؟

- سوگیری‌های مربوط به زمان: در چه فصلی از سال چه ساعتی از روز؟ فصلی‌هایی که شرایط جوی زندگی و کار را سخت و طاقت‌فرسا کرده است یا در یک فصل خوب و معتدل؟ در ساعتی که جریان زندگی معمول است یا ساعاتی که به واسطه مشکلات محیطی ناامنی افزایش پیدا می‌کند؟

- سوگیری‌های مربوط به اشخاص: کدام افراد جامعه در معرض دید بازدیدکنندگان قرار می‌گیرند؟ صدای کدام گروه شنیده می‌شود؟ آن‌هایی که همیشه در صحنه هستند و حرف

می‌زنند یا آن‌هایی که منزوی شده‌اند و دور از فضای عمومی هستند؟

- سوگیری‌های مربوط به موضوع و شکل بازدید: چه چیزهایی به مسئولین نشان داده می‌شود؟ پروژه‌هایی که از قبل نشان داده شده یا سوژه‌هایی که مورد نظر مردم است؟ بازدیدها با هماهنگی‌های قبلی و تشریفات است یا ساده و واقعاً سرزده؟

هر کدام از این سوگیری‌ها می‌تواند واقعیت را از چشم مسئولین دور نگاه دارد. متأسفانه معمولاً بازدیدها با ترکیبی از این سوگیری‌ها انجام می‌شود. بنابراین نمی‌توان از آن بازدیدها انتظار نتایج مثبت و مفید برای جامعه داشت. تلاش کنید گروه ضرورت انجام بازدیدهای خالی از سوگیری را به رهبران محلی گوشزد کند. آن‌ها می‌توانند نقش مهمی در برپایی یک بازدید مؤثر ایفا کنند.

طرد شدگی اجتماعی / توانمندسازی زنان

گاهی مواقع پیش می‌آید یک گروه اجتماعی از یک جامعه به طور نظام‌مند و سازمان‌یافته اما شاید ناخودآگاه از حق و حقوق، فرصت‌ها، منابع و منافع که به طور معمول شامل همه افراد آن جامعه می‌شود، محروم می‌ماند. گروه‌های اجتماعی به واسطه‌ی یک ویژگی، برای نمونه سالمند بودن یا معلول بودن، از زندگی اجتماعی بیرون گذاشته و طرد می‌شوند. زمانی که خدمات مورد نیاز برای سالمندان در جامعه در نظر گرفته نمی‌شود، یا امکانات مورد نیاز به معلولان داده نمی‌شود، گروه سالمندان و گروه معلولان خود به خود از زندگی اجتماعی کنار گذاشته می‌شوند. در جریان رشد و توسعه در جامعه‌ی محلی، توجه به مشکلات گروه‌های طرد شده اهمیت بالایی پیدا

قطعنامه شورای امنیت شماره ۱۳۲۵ (۲۰۰۰) تأکید مجدد دارد بر نقش مهم زنان در جلوگیری و حل درگیری‌ها، ایجاد صلح، و بر اهمیت مشارکت برابر آنان و شرکت در همه‌ی فعالیت‌های مربوط به برقراری و بهبود صلح و امنیت، و نیاز به افزایش نقش آنان در تصمیم‌گیری در رابطه‌ی جلوگیری از درگیری و حل آن‌ها تأکید می‌کند.

آمارهای جمعیتی که لازم است بدانیم:

- تعداد کل خانوارها
- تعداد زنان و مردان و طبقه‌بندی سنی آنها
- تعداد افراد معلول و از کارافتاده و بیمار
- تعداد کودکان بی سرپرست
- تعداد زنان شیرده و باردار
- تعداد زنان سرپرست خانوار
- تعداد زنان تنها

می‌کند. تسهیلگر، مراقب است تا برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها به سمتی پیش برود که دسترسی به منابع و منافع برای همه گروه‌ها برابر شود. دربرگرفتنی اجتماعی در مقابل طردشدگی اجتماعی قرار می‌گیرد. بدون شک زمانی که اولویت ذهنی تسهیل‌گر در برگرفتنی همه‌ی گروه‌های اجتماع باشد، او با هر نوع تبعیض که به واسطه‌ی سن و سال، جنسیت، قومیت، وضعیت جسمانی و ... اعمال می‌شود، مخالفت می‌کند.

سابقه‌ی برخی از این طردشدگی‌ها به قرن‌ها پیش می‌رسد، از جمله محرومیت‌ها و تبعیض‌هایی که به سبب جنسیت بر افراد روا می‌شود که یکی از مهمترین و ریشه‌دارترین

طردشدگی‌های اجتماعی به حساب می‌آید. توجه به وضعیت زنان یک جامعه، شناختن حق و حقوق آن‌ها، باور به آن که زنان نیز مانند مردان حق دارند به منابع (مانند کار، آموزش، سرپناه، خدمات درمانی و رفاهی و ...) به طور یکسان دسترسی داشته باشند، باعث می‌شود تسهیلگران به تشکیل گروه‌هایی که به توانمندسازی زنان می‌انديشند، حساس شوند. در بیشتر جوامع محلی، به خصوص بعد از گذران یک بحران، توانمندسازی زنان جزء نیازهای اولیه آن جامعه قرار می‌گیرد. بنابراین تشکیل گروه‌هایی از زنان که در جهت رفاه و افزایش توانایی همه‌ی زنان آن جامعه قدم بردارند ضروری می‌شود.

در حین کار با جامعه‌ی محلی به این نکته دقت کنید که زنان در فضای عمومی اغلب کمتر از مردان اعتماد به نفس صحبت کردن و ابراز عقیده دارند. تحقیقات مربوط به صحبت در شرایط رسمی از قبیل سمینارها، جلسات رسمی، مباحثات تلویزیونی نشان داده است که مردان بیشتر از زنان هم از حیث نوبت و هم از حیث زمان صحبت می‌کنند. تحقیق دیگری در همین زمینه نشان می‌دهد که در ۱۰۰ جلسه گفت‌وگو، سمینار و کنفرانس با موضوعات گوناگون، مردان ۷۵ درصد پرسشگران را تشکیل می‌دادند. ولی حتی در جلساتی که تعداد شرکت‌کنندگان زن و مرد مساوی بوده است باز ۶۲ درصد سؤالات را مردان پرسیده‌اند. در کلاس‌های درس نیز همین موضوع اتفاق افتاده است (نرسیسیانس، ۱۳۸۳). مراقب باشید این وضعیت دامن‌گیر گروه شما نشود. زنان را ترغیب کنید که نظرات خود را بیان کنند.

نیازسنجی را به خود زنان واگذار کنید. اجازه دهید خودشان بگویند اصلی ترین مشکلشان چیست. نیازهایشان را اولویت بندی کنند، از بین آن ها تسهیل گر محلی انتخاب کنید، پروژه های کوچک و اعتمادساز انتخاب کنید، به گروه کمک کنید تا پروژه را به نتیجه برسانند، ظرفیت آن ها را در جلب حمایت مدیران و مسوولان مربوط بالا ببرید.

وقتی با اجتماع محلی کار می کنید، همواره این سؤالات را از خود پرسید که:

۱. آیا زنان و مردان صدایشان به یک اندازه در تصمیم گیری ها و برنامه ریزی ها شنیده می شود؟
۲. آیا زنان و مردان به یک اندازه امکان حضور و مشارکت در تصمیم گیری ها و برنامه ریزی ها دارند؟
۳. آیا زنان و مردان به یک میزان امکان دسترسی به منابع و منافع را دارند؟
۴. آیا از تمام توانایی ها و ظرفیت های زنان برای حل مشکلات خودشان و جامعه استفاده شده است؟